

بقیه از صفحه اول - شماره -

اگر احدی بجهت آزادی و عدلند وارد به تمام قوا گویند و دست
و پیکر کنند از طریق سواره و پیاده با کونیت در وقتش گردن
تعلیمات کونیتی و مسخر از طریق سواره و پیاده از کونیت
کونیت مانع از آزادی آن در میان کارگران گردند و در میان سوار
جمهوری اسلام را از طریق کونیت و هر چه در میان سوار و کونیت
احساسات شد همین مردم و قوا و کونیت خود را در جهت سواره
با کونیت و کونیتها بگنجد است و در این راه و عشق او
وارد ستم بشیرمانندترین استقامات و روحیه کونیتها
ایمان نداشته است. البته هرگاه جمهوری اسلامی در ایران
همان کاری را کرد و است که در جهت آزادی و عدل کونیت
مستول میشود. اگر مردم در ایران کونیتها را میروند
می از این و محاربه با خدا و فریادها را از لای لای میزند و همین
در اعمالی تنی شان بساط دشمنی و فریاد میزند و با کونیت
کنند. میگند! و بدین صیقل کونیتها در میان کونیتها آغاز
شان اینست که سواران مردم خدا کنند. و به این بساط
دارند مردم را از کونیتها میترسانند. شاعر کرد و در وقت
دارند چندین همه اینها را میگویند! اما کونیتها را در
میکنند و صحت کونیتها را میبیند. [چشمهای
کونیت را میخورد! عین کونیت است. با خود این
در تمام و در بسیاری از دیگر نقاط کونیتها را میبیند
همه این فشارها و دلخیزها و فریادها را میزند و در کونیت
مردم در کونیت جای بگیرد. مسخر و پیاده از کونیت
با خود در بسیاری موارد در تمام رهبری و جنتها و کونیت
و از آن بخودهای قزاقی که... با این حساب باید به همه
جمهوریت کونیتها در میان کارگران و زحمتکش ایران وارد
ماهیت نیروها و سازمانها "کونیتی" ایران مستحکم
و عشق که در سازمانها و قوا را در تمام ایران در تمام
مردم. با همه اینها اینست که سواران و آزادیهای در کونیتها
تا حدود زیادی در دست است. کارگران ایران با همه سازمان
و گروه سیاسی مواجه شدند که عشق خود را "کونیتها"
می نامند اما در این حال هر چه و در کونیتها مستحکم
و افکارا متناقض میگردد که در بسیاری موارد صریحا
شکاف و مانع کارگران... در وقت این شرایط کونیتها
از نیروهای و طبقات دیگر نیز امکان داد میبرد که وسیع تر از
همیشه تحت نام کونیت "و طرفداران طایفه کارگر" فعالیت
کنند. فخر این عنوان کارگران را به تکلیف و صاف میزنند و
اهدافشان را میکنند. مردم ایران طریقی در شناس کارگران به
کونیتها مانع شوند.

وجود این همه انقباض در ایران و عقاید اروپائی که تحت
نام "کونیت" فعالیت میکنند. و طبع و روح کونیتها در
جان طایفه کارگر جوانی که خود کترین ساخته ذهنی و شناخته
طوبی از منابع و سواره مستقل خود دارد از مغایرت مستقل
میباشد. کونیتها و اوضاع در بیشتر و ظاهر خود در
میان کارگران علاوه بر مشکلاتی که اینها را با طایفه یا خود
دارند تا چنان بود که به کونیت از مسائل که فعالیت این
"کونیتها" رنگارنگ در دین هر کارگری ایجاد کرد و
است پاسخ و دهند. هر چه شناسند کونیتها میروند
آنها آنرا از آوار و زمین بگیرند. چه بود و چه بود
و عشق هر یک لای سازمان بظاهر کونیتها هم به دستمای

مشروط سازمانها و دیگر با اصلاح کونیت با جمهوری اسلامی
و عشق و هم اختلاف آنان با مباحثه بین مردم و همه انقباضها
کردن طایفه مردم ترکی حصار توسط آنان را امتداد کند مردم
در باره و خیلی سناهقه زهرانی. هر چه در باره غیا حقه کونیت
ساز و حزب بود و در کونیتها و حال. هم در باره طرفداران
از این با اصلاح کونیتها ازین صدر مردم خدا سینه
دیگر از این دست توضیح به هند و اروپا و کونیتها
سازمانها میماند... هنوز هم کونیتها با کارگران در
این حصارها هستند.

اما انتظار که این واقعت که کونیتها میروند و کونیتها
کارگر و مردم سواره طایفه کارگر برای رهائی و سازمان به هدف
تاریخی و مستقل خود است با یک حساب و در انگیزش نارینه
این نتیجه میرسد که لغت سازمانها و حزب و کونیت
میباشد. اما باید دید. و با کونیتها طایفه کارگر تبلیغ کرد و
کونیتها بود و اند. خدمتگاری کارگران سازمانها طایفه
عرب بود و اکثریت بر سرشان به سواران افکار بر سر سواران
است که هدف کارگران بودن آنان نیازی به انبساط و انقباض
بخت اینهاست که سازمانها و کونیتها بظاهر کونیتها هم
تلمیح نیات خیرشان کونیتها نبود و عشق ازین نظر
ماهیت تبلیغاتشان بود طایفه کارگر تبلیغ نداشته اند.

آنها عشق سنگ خلق را به سینه مردم خدا و از عشق
در باغ میروند. اگر به همه آنان طایفه کارگر را میروند
تعداد در سواران ازین حصارها میروند و اند. لکن همه طایفه
خود نیزه و مستقل برای طایفه کارگر لای لای خود و اند. سواره
مردم از این طایفه کونیتها طایفه کونیتها اصلاح کردیم
است. تبلیغات کونیتها در طایفه اینها هم اصلاح کردیم
بکرات کونیتها را با یک کار کارگران بر اهدا است مستقل
خود کردند. بجزول روح آنرا. آنها را میخواستند نهاد کار
و سواره شد و خود را و تمام خلق تا همه اینها را تحت الشعاع
قرار دهد! آنچه کار کارگران میخواستند این بود که آنان
کونیتها را از عشق و از تشدید کونیتها بظاهر سازمانها
مشترک خلق خدا را میباشند. اما بر اساس سنای
مشترک خلقی که بود. در برهان است و سرد میگویند. از این
طایفه چه میخواند باشد و سراسری که اینها را اصلاح
شترت خلق که ما میگویند در حال چه شناس طایفه از این
را خواهد یافت.

این سازمانها و همه خلق (کونیتها) کونیتها
را معمولا مجرد. چه در کونیتها میماند. اینها
تعلیمات سواره و کونیتها به اینها سازمانها و کونیتها
انقلابی بر پایه سینه هستند. خود تا از این جنبش که
کونیتها تا اینها به اساس انشار آنها و پیرو کارگران را
مسئول خود میگویند. سایرین (خلق خود) سازمانها
انقلابی بظاهر کونیتها ایران. در تمام مردم میباشند
در نزد کارگران و زحمتکش را توجه میکند بلکه کند و پیروی
کونیتها و اوضاع را نیز در دوران اهدا این سازمانها
در جنبشها ایران. توضیح میدهد.

در این میان تنها چه استخوان وجود دارد و "استعداد
کارگران کونیتها" تنها گروه کونیتها است که جرات میزند
از ماندن که اینها را با تمام منابع مستقل طایفه کارگر
باید در تمام ۱۹

خدمات را با موارد مشابهی که بران طبقه کارگر کشورهای
 پیشرفته حتمی بیفزاید ثابت طبایع گنم درین پایه گنم
 ضربه کارگر ایران تا چه اندازه تا تجربه است - و اگر براس
 می نگریم ، سابقه زندگی مشقت بار ایران از نظر اقتصادی و
 از نظر سیاسی روزی چکه دیکتاتوری مهابت امپریالیستی و
 ات تمام بعضی سیاسی تهر میانه زمین و دنیا به روی دامن ایران
 عازرت و سازمانها سیاسی و سیاسیست از طبقه کارگر نیز
 ایران مافک تشکلهای سرزمین و سبهای کار سازمانها
 و سازمانها هستند ، بلکه توده های کارگر ایران حتی سینه
 صورتها مشکل شده و سازمانها داشته بر صورتها
 حتمی اتحاد بهای کارگران ایران بسیار عقب مانده و سطح
 آن بسیار ناار است ، طبقه کارگر بر طبقه طبقاتی خود ، حزب
 کمونیست ضروری است ، ایده شو را که در شرایط بحرانی تمام
 وسیع و در زمان توده های کارگر اشباع یافت ، از نظر تشکیلاتی ،
 حتی از نظر موجودی آن بر مبنای شرایط واقعی و واقعی که توده
 کارگران بجز تعمیم گیرنده ، آنها تشکیلاتی هستند ، دستاوردها
 جوانان خود و محدودی بسیار بوده است ، کارگران نخبه پس
 کنند ، تشکیلاتی شده ، تعمیم مبرهن کار با سازمانها را در میانمانند
 و حجم خود می برد ، و بعد از در جوار حد خفاش بر خودها
 به سرمایه ازد و ولنتشکلی می شود ، انضباطات شدید بدون
 سازماندهی کمیتها و انضباطات مبرهنی تشکیلاتی انجام می شود ،
 هیچ اند ، هر چند در زمینه اتحاد ارتباطات سازمانها نیز
 کمتری میان اتحادیه ها ، شوخها و کمیته های نظایر در کارگر
 - خاسسات مختلف ، و در میان نمایانها ، و کارکنان صورت
 گرفته است ، یک کارگر اروپائی که اعتدال از نظر سازمانها
 از کارگران ایران در شرایط کنونی عقب مانده تر است و
 حد اکثر به مافع صحن و صفتش خود می انداخته ، و صحن
 دهن بیشتر در زمینه تشکیلاتی دارد ، برای مثال در ایس
 گونه کشورها ، اولین حرفه اختلاف با کارمندان در کارخانه
 معمم مبرهن حمله موانع اتحاد تشکیلاتی دهد و کارگران
 تصمیم خود را در باره اشکال سازمانها می گوید ، کمیته های
 برای برای پیشبرد کار معمم میشود ، نمایندگان کارگرسران
 برای دفاع از تمام کارگران ، و نمایندگان کارمندان کارخانه
 و دولت استماع می شوند ، و بعد از این شرایط آنها تعیین
 می شود ، و نمایندگانی برای جلب همبستگی و دعوت به عمل
 مشترک به سایر کارخانه ها تشکیل می شوند ، همچنین برای
 اعلام مبنای همبستگی کارگران به روزنامه ها ، برای بد تشویق و صبره
 تعیین می شوند ، و اگر اعتقاد با تصمیم در کارخانه حواشی
 آن در معمم عمومی تعیین می شود ، کمیته انضباط اشتغال
 صورت به معمم عمومی گزارش میدهد ، انضباطات بسیار بسیار
 داشتهای مختلف کارگران و نمایندگان ، برای در باره
 اعتقاد بر مبنای تعیین می گوید ، کمیته کارخانه را در نظر برای تعیین
 احتیاج انضباطی ، کمیته اخبار و تبلیغات ، کمیته جلب
 همبستگی ، انتخابات و صبره در میان معمم عمومی ایران
 کارگران تعیین می شود ، بطور خلاصه در هر تفاهم با

سرمایه ازد و دولت سرمایه ازی و کارگران آرایش تشکیلاتی
 خاص بخود میگردد و متشکل به دشمن بر هر طرف می کنند
 و از آن بیشتر آمار دگر تشکیلاتی خود را در همه حال حفظ
 می نمایند ، آنان در ضمن مبارزات طولانی خود امپریالیست
 که برای مبارزه باید متحد شد ، برای متحد شدن و متحد
 بودن باید متشکل شد و متشکل ماند .
 امروز کارگران ایران ناسیوال که برای گرفتن حواله
 متحد شده اند ، امتضا میگردند ، جلوی خروج محصول را گرفته اند ،
 اما شکست خوردند و در همین شان را به صدمت دادند ،
 کارگران شهرک اکباتان که برای وصلی خانهای کارگر
 متحد شدند ، مبارزه کردند ، به شرمه رسیدند ، اما از نظر
 امروز شاهد دستگیری بارشاشن بوسیله پاسداران مسلح بودیم ،
 و در ها هزار کارگر دیگر ایرانی دیگر که هر یک از مسلح
 خاطر هفتای از این شکستها بصورتی ها دردها خود دراز
 آمان ماند که بیدرنگ که اگر به اتحادشان که شرط پیروز
 آساست ، فیلو تشکیلاتی شدند ، و اگر اتحادشان را بر
 قالب تشکیلاتی بیزند آن را به یک نیروی مادی باید ارتبه
 تکند کاری اینها خواهد بود ، کارگران جنگی می دانند
 راسی که در هر دم صحنی بودند و متحد می گردند ، یک عدد
 شمار عدد شد ، در شان شد ، از آن می ترسند و عقب
 میسند ، اما مجرد آنکه ضروری شود و هر گز به سراغ
 خود می رود ، بازم سر و گه آمان پیدا می شود ، و اصل مبارزه
 به معنی می رود ، حال وقت آن است که بکنوان میجویم
 با متشکل شدن خود کاری کنند که اتحادشان در میان
 احتیاجاتشان با بر ما باشد ، میجویم با باشندگی شدن
 مشکل مایلن کاری کنند که در فضائشان حتی درجه های
 تشکلهای هر گز می بایست خود که اتحادات با هزار کارگران
 بترسند و هرات خلوت زمین و بیست و بیست و بیست و بیست
 و نظایر های آنان را به خود را به حد شکست ، تا کوی رسم
 بر این بود ، دانست که بد سال با همال شدن حتی از کارگران
 کارگران بیزند به گفت هم تلاشی می کردند ، خود و کارگران
 گرد می آوند ، اتحادی بوقت ایجاد می شد ، آکسوها و بیزاران
 در جهت احقاق حق کارگران صورت می گرفت ، و استکسها
 مروتیت و باره تعرفه ها کم می گشت ، تا در باره تعیین بیشتر
 می آمد ، و از همه کارخانه در صورت امکان از برای تکرار می شد
 این رسم باید جای خود و پایه رسم دیگر قند شد ،
 رسم تشکیلاتی و اتحاد میبایست کاسلرو داشت .
 صدم طبقه کارگر ایران از نظر تشکیلاتی می شک از رصمه
 های تالی می بر خود راست ، اما بعضی نسبت به رسم آن
 راه تاز و به رشد تعیینی حتمی بود ، بدون طبقه
 کارگر نمایان ، این صدم ایرانی است که بر و تر کارگرسران
 پیشرو و کمونیستها امروز ایران سنگینی می کند و لذا باید در هر
 قدم مبنای خود در مبارزات کنونی بر این صدم آگاه باشیم و
 اثرات منفی آن را گناهان غشی گنم بر این صدم باید

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

فرد انداخته ایم و راه را برای درک برداشته مایرست. از
سهاله بازگه اشعاریم .

این درصورت داشت نادرست این است که بدینا بر
گذاهی کارگران به در و تحلیلی شایر صرفا از جنبه ذهن
و اعتقاد آید و نظر بگیریم و این نقطه عمدها کسبیم
اصفا کارگران در ظاهر و ذهن است صرفا در ذهن
کارگران تصور شود. و اینست که باید این نقطه
حوضه را در ذهن و تفکر کارگران را بعد از کسبیم
در این فکر نیست که این خطه صرف در همان سطح تفکر
جز در حاشیای بسیار و بعضی از کارگران وجود دارد و
بسیاری از کارگران واقعا در فکر خود به خود به دستهای
از یک طبقه با خود هم رفتند. هرگز، اصفا که که تنها
معیار در در ظاهر و ذهن است. شبها میخواند در حاشیای
سیاستی و سوسیالیستی و رنگ سوسیالیستی از این
خود و سبکهای خود دفاع کند بلکه در تفکر و عمل
انقلابی نظم برعکس میسر از اصلاحی - سوسیالیستی
- ایمن را برمیهد بگیرد . طبقه ای که می تواند در دنیا
سازمانها و نیروها و سیاست از سوسیالیست و سوسیالیستی را
کسب کرده باشد و در نظر آید را در ذهن بگیرد . خود که در
سیاس را به سبک خود و جامعه بشری را از چنگال خود راست
برساند . از این به ناکارگرمونیست کارگران میروند که هنوز
حرف خود را به زبان خود از خود نمی شناسند و همان آن
که خود را از محیط کارگران خود بشناسد و ندانم میروند
خود را میبایست کارگر و ایران و سراسر جهان درنگند
خود را با اهمیت خود در نظر و نظر و خود را با
و با فکر سوسیالیستی و سوسیالیستی و اسلام خود را
در این خود احساس میباید که بیشتر می دانند
کارگر و دستر شایر که اعتقاد خود را در
لیجه مضامین سوسیالیستی و سوسیالیستی کارگران
و اول مختلف خود به قدرت مستقل طبقه خود و به دست
طبقه ای خود می برد و اینست که کارگرمونیست

بخش کارگران به این مرحله قدرت . این طبقه هستند
و این کارگران و سوسیالیست خود هستند . و امروز
توضیح این نکته میباید که کارگران که به معادله
و نه بخشد و سلطنت طبقاتی خود معنی که این سیاست
نیروی بیرونی و دیگر بلکه طبقه کارگران است که در
در خود و وابسته و نه همین کارگرمونیست . این طبقه
خود همه است .

اما در این مرحله است که آگاهی و ایمان کارگران به در
مستقل طبقه خود را. همه سیاسی مردم تشکیل می دهند
در رت طبقه کارگر قدرت تشکیل اوست و کارگران به قدرت
تشکیل خود ایمان می آید . خود باید و صفه کارگران
سازاد که طبقه طب نشین و سبک و در ظاهر خود میسر
اسلامی . در رت خود به سبک و ایمان طبقه کارگر ایمان
و دانشمندان حاشیای و دانشمندان و چنگال کسب
و سیاست سوسیالیستی و سوسیالیستی و ایمان به
و نه همین سوسیالیستی بخود اعتراف به خود ایمانهای صدر
- ها و حاشیای خودها . بلکه تنها به فو طبقه کارگر

نیروی انقلابی همانند حازه انقلابی و سوسیالیستی
خاصه . همانطور که امکان داد تا با بسیاری از طبقات
خود مگر طبقه کارگر . کارگرمونیست و اینی و اینی و اینی
در طرف مقابل طبقه خود . همین امکان می دهد
تا با طبقه سوسیالیستی طبقه کارگر ایران و زمینه تشکیل
و سازماندهی میزند می کوتاه با اشکال انقلابی و اینی
کوششها را آگاهانه و بیشتر کارگران کوششها طبقه خود
همه اینست که انقلاب حاضر و طاق و سوسیالیستی و سوسیالیستی
سید و طبقه کارگرمونیست نباید است و این از کارگران کوشش

جبهت گوی تشکیلاتی. هر زمان راه که بدرد بیشتر مبارزه
در شرایط کوشی بخود . طفت می کند همه اشکال تشکیلاتی
و با فو طبقه کارگر . امکان کارگران را . اینست که در
دست بافتند . اعمال در طبقه کارگر . در سوسیالیستی
طبقه ای خود نیاز در زمان امروز و کارگران را . هر چه با آگاهی
این تشکیلها هر چه خود . صفت سوسیالیستی از نظر تشکیل
و اینترنیشنل خواهد بود . اصلاح و اینترنیشنل کارگران
و در نتیجه به سانه اخیر خود . بدان دست بافتند . مانند
نفری که کارگران را امروز در سطح وسیع برساند و سوسیالیستی
در اند . هر چه که برای سوسیالیستی در سبک در جامعه
فاندند . کارگرمونیست که اصلاحی و سوسیالیستی خود در اند
فکر که در اصلاح آنان را به کارگرمونیست . حیوانه به
با امکان برسد تا در این شرایط و طبقه کارگر و سوسیالیستی
- چوب تشکیلهای خود در امروز . در نتیجه تشکیل طبقه
بفکر کلی به دستاوردهای سوسیالیستی . هر چه کارگرمونیست
در کوششها و صفی بیشتر خود را در سطح وسیع از نظر
است . برای مثال . نیروی انسانی و سوسیالیستی اصلاح
حرب انقلابی طبقه کارگرمونیست در رت و این سوسیالیستی
در رت و سیاسی . برای طبقه کارگر ایران امروز با فو طبقه
اعتقاد و نظر می . در صورت معادله امروز و در اند . مان
فرصت مبارزه طبقاتی و انقلابی . فایده و سوسیالیستی . این
آن چیزی است که طبقه کارگرمونیست را در فو طبقه کارگرمونیستی
است . هر گاه که کارگرمونیست کارگرمونیست های سوسیالیستی
و سوسیالیستی بیشتر حلوتی است .

حالی لازم است با توجه به اهمیت ساله در تشکیل و تشکیل
گاهی معده به عقب نشینی و اصلاح و سوسیالیستی طبقه
کارگر در مقابل تهاجم رژیم سوسیالیستی . همین سوسیالیستی
به حرکت در این جنبه طبقه کارگر در شرایط حاضر میباید . این

۴. طبقه کارگرمونیست و سوسیالیستی و سوسیالیستی

این نکته که کارگران به دلیل عدم آگاهی و ایمان به قدر
خود در طبقه رژیم جمهوری اسلامی . در مبارزه بر او سوسیالیستی
آن در سوسیالیستی کردن آن . یا کوشش که پاسداری اهدا
انقلابی کارگران باشد . در چار و این و سوسیالیستی و سوسیالیستی
درست است . در سبک این که همه که لا چاره بود بل این صفت
نمیست به یک عنصر گسترده عیاری با این سبکهای از
کف و در سوسیالیستی و سوسیالیستی و سوسیالیستی
جمهوری انقلابی سبک سوسیالیستی است که با این سبک
قدرت مستقل خود در رت طبقه کارگر است . اینهم درست
است . اما اگر به سبک گت آگاهی . بلکه سوسیالیستی

است. اما حتی همین کارگران نیز قدرت طبه کارگر را بیسی نگره میوه آن متکثرند. مانند صغومور، آبیاجوریم، بیه لاکیر، صحنه را برای برابریهای مسلح مشاهده غایب کرده اند. قدرت طبه کارگر بک امر دشمن نیست و ایجاب می کند ایمنی ظنی نیست. قدرت طبه کارگر در حق میبند که بمعمر آنکه افراد کارگر به وجود آن بی برسد. اما آنرا بر دست خود نگرفته اند. قدرت طبه کارگر در حق است که باید استغفران شود. قدرت طبه کارگر قدرت تفکر اوست و تطایفه کارگر ابزار به جریان انداختن و استعاده آزاران را ساخته باشد. در حق بافته است که هنوز مادیت و موجودیت واقعی نیامده است. در میان این ابزارها و کارگزاران قدرت در میان تشکیل و تشکلات که لازمه موجودیت یافتن چه جریان افشار قدرت کارگران است. حتی اگر دشمنی و استوارترین کارگران نیز در مقابل روزیاری نماندند. چهاران طبایفه با حذرت او را ن نخواستند داشت. قدرت طبه کارگر در هر کجا که هم بیست و چندانه بود. برای وسیع کارگر نیست است. در مقابل تشکل و تشکلات میسر است. هزار کارگر اگر در یک کارخانه نسج در میان تشکل معده عمومی نظام در میان تشکل خردی واقعی در میان تشکل کفایت اشتیاق و در میان تشکره - کرم به کارپرداز و در مقابل تشکل واقعی نواقص حتی ارضاع معمر و دشمنی های خود در جام کند. اگر این تشکل و تشکلات مانع است باید پیش و باقی و اول است. اما تشکل معمری هرگز کارگر که به قدرت طبایفه خود آگاه و پیش میبندد. در مقابل تشکل های کارگر و دشمنی که آزار وارد کرده و علاوه بر آزارش در ده به خط کند و بیرون آنها را در جهت نظام و تشکل ملیشه بیسیاسی اندازد. در میان تشکلات های کارگر که بخشی از قدرت اشتیاق طبه رایه آزار میبندد و تطایفه طبه را در نفس میروشد خود به آزار میجوید. که قدرت طبایفه خود آگاه و پیش میبندد. حتی بی آن طبه کارگر و اولیا به قدرت خود آگاه شد و بیسیاسی یافته است که در مقابل او برای پیشبرد هزار خود و مستقل طبه هر سنگر خود و تشکل و ابزار تشکلات. ابزار قدرت خود را ساخته و پرداخته باند.

پیش سیاسی و انفرادی و وسیع و جلیان به رقم محقق در اسلامی در مادی اکثر به طبه کارگر در دستار. هر انفرادی بر زمینه جیبی خصمی از پیش تشکل و تشکلات در طبه است که تاکنون وجود بوده است. اینک طبه کارگر در مقابل او پیش بر طرف نیست و از قدرت خود و تطایفه های خود نگردد. نه فقط به دلیل عدم آگاهی بودن های کارگر به قدرت خود بلکه همچنین به این دلیل بود که حتی آگاهی های موجود. طبه در سطح کارگران پیشرو مبارزه در وجود تشکلاتی مبارزاتی که راه رژیم را بند کند. مادامیکه وحدت بیاعتبار در کارگران ایران در طول سه سال بی انجام. سلویم گسترده مبارزات خود دستاوردهای گوناگون این مبارزات تشکلاتی و کارگزاران تشکلاتی را که لازمه حفظ هستی این دستاوردها

بود بوجود میآورد صورت نه ولدا در هنگام پیش روی به ابزارها و کارکنان لازم برای طاقت و مستقلی و احیام تشریحی عقلم برای بکسر کردن کار و بیه به نیروی خود صلح و صمیمیت نبودند. بنا بر این امروزین مبارزین صفت طبه کارگر به بیسی عدم آگاهی نیروی خود در مقابل رژیم و انقیاد می گذاریم نباید فراموش کنیم که برای خروج این صفت تنها بر سر آگاهی و تبلیغ سیاسی در میان کارگران کافی نیست. صفت اساسی تر و دشوارتر بیشتر کار در حسه تشکلی است. وقتی ما از کارگران می خواهیم که سنگرهای خود را به قدرت خود حفظ کنند. باید راه مشکل شدن و ابزار تشکلیاتی لازم برای این کار را هم توضیح دهیم برای ساختن این ابزار وجود آوردن این تشکلاتها آشنایی بالا بر زمین وقتی کارگران می خواهیم که بقدری نتوان نیروی واصل انقلاب و قدرت مستثنی که می تواند در مبارزه خود بر علیه سرمایه وارد آید. بدانجا صدهای اسلامی را بر زمین انبار ماورد. باید راه مشکل شدن برای این مبارزه و ابزار تشکلیاتی جنگیدن برای این اهدا در اتمام توضیح بدو هم برای ساختن آن با نیروی کارگران دست یگانهیم. طبه کارگر ایران هنگامی که پیش واقعی گفته به کسب قدرت سیاسی خواهد اندیشید چه به چند خواهد انداخت که بر پیش بر اند که با هر تشکل و تشکلیت و سیاست به نظر ما که کم ابزار تشکلیاتی خود دارد و میگرد جدای مردم و سازمان و تشکلات بیرونی او دولت و ارتش و اموم اسلامی و نظارت کارگزاران و غیره که به آزار و ستم می بیند. که تمام تشکلاتها مبارزات خود را بشاید و به نظر ما این تشکلات باید که ابزار را ساخته باشد و در جریان ساختن آن باشد.

بر اساسی که رژیم در مقابل جبهه و سنگرهای ما به ایستاد در مقابل هر چه با ایستاد در مقابل دیگر و باید ایستاد در مقابل خود و با هر سنگر که باید ایستاد در کسب به خودی به ازاد بودن سیاسی باید بشود. برای ازاد گردن به ایران سیاسی باید ایستاد. در برابر حاکمان نسج اسلامی با ایستاد. در مقابل حاکمان ارضی و سیاسی باید آگاه بودن باید ایستاد بر در به کار و وقتی میگویم در مقابل عموم اقتصاد و سیاسی بقیه باید ایستاد. باید در مقابل حال میگویم که چگونه طبه ای برای باید ایستاد بود این ابزار باید چگونه ساختند ملاحظه کارگر و برای ساختن این ابزار در جریان مبارزه به حرکت در آید. برای ایستادگی باید مبارزه کرد. انحصار کرد. تخصص کرد. طهارت کرد. همسنگی سراسری کارگران را تأمین کرد چه این شرط باید جمع عمومی نظام داشت. شیون را پس داشت. باید گفته های گویایی و انقلابی در کارخانجات و مسلات وجود آورد. باید گفته انقباض داشت. باید ایستادگی طبه یگانه داشت. باید آگاهی سیاسی داشت. باید خواهان انقلابی وجود آورد. بالاخره باید یک حزب سیاسی قدرتمند طبایفه ساخت که گله و جومایس مبارزه را رهبری کند.

پیش بسوی ایجاد اتحاد کارگری علیه بیکاری!

بانه از صفحه اول

پیش بسوی تشکیل شوراهای انقلابی در ایران

بوده‌ای کارگر و دهکبر و همسایه تحریریه با طرز آسانی کارگران و زمینداران در کنار صفت خردی و بی‌توانی، اجازه می‌دهد که ما بتوانیم در جهت ایجاد جبهه‌های انقلابی خود راه حرکت کنیم ما نام عمومی این تشکیلات را کمیته‌های اتحاد آزاده و اعمال قدرت خود می‌گذاریم که البته به اینها سازمانهایی هستند که از پیش بر سرپوش خودهای وسیع کارگر و زمینداران دارند و اصولی دیگر هم در جهت حرکت آنها در هر نقطه توسط خود آنها آن همسایه بوده‌ای خبر می‌شود. سازمانی از جبهه‌های انقلابی که یکدیگر را متحد با آزاده‌ای با همه با همه کارگران بر آزاده اکثریت آنها آن طبقه است و با سایر کارکنان و مأموران استبداد از طبقه کارگران سرکشی در می‌یابند، چرا که آزاده‌ها طبقه کارگران است، این به علاوه اختصاصی و فردا که ضروری است و دیگر سرچشمه و مرکز فعالیت در تمام مشاغل سازمانی هستند و می‌شود. مأموران استبداد سازمانها را این طبقه کارگران هم کارگر و برادران بوده‌ای خواهد بود.

مأموران استبداد که در این روز و در دشمنان انقلابی نیز مأموران و بی‌توانی‌های سرکشی از پیش بسوی سازمانهای همسایه کارگران بر سر خود ایجاد کرده است. در هر نقطه از ایران سازمان همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد.

نورده‌ای و زمینداران نیز می‌توانند که هیچ یک همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد.

شوراهای کارگری فابریک‌ها

شوراهای فابریک‌ها که در دوران اوکمیونر انقلاب، قبل و پس از تمام تشکیل شدند، از نظر ماهیت و عملکرد ما آن

کارگرمانیان اعمال آزاده نورده‌ای که بدان اشاره کردیم چندین جنبه‌های شایسته را داشته‌اند. کارگران در فابریک‌ها می‌توانند که با گردن بسته توانسته بودند شوراهای برابری را برپا نمایند. با تمام آزادی‌ها علاوه شوراهای خود به اساسی هستند و سخنور ما را "کارگرمانی قدرت نورده‌ای" در این روزها گرد این شوراهای در اصل هر دو ذایع حقوقی صاحب سخن کارگران بودند. همسایه‌ها تا آنجا و خصوصاً در هنگامه‌های دشوار در این روزها هم در تندی و پاکسازی کارخانه از مأموران استبداد همسایه کارگران و "اصطلاحاً" ادارات و مأموران استبداد بودند. هم در تندی و نظارت کارخانه‌ها در اشکال می‌گردد. هم در تندی و نظارت کارخانه‌ها در اشکال می‌گردد. هم در تندی و نظارت کارخانه‌ها در اشکال می‌گردد.

جمهوری اسلامی او همان کارگران و زمینداران است. این شوراهای فابریک‌ها در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد.

در جهت بر خلاف جمهوری اسلامی ما خواهان تشکیل شوراهای بر قدرت کارگری هستیم که علاوه اعمال آزاده و قدرت کارگران باشد. اینها شوراهای فابریک‌ها در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد. جبهه کارگران همسایه کارگران را می‌توان به همه کارگران در هر نقطه از ایران پیدا کرد.

شوراهای فابریک‌ها که در دوران اوکمیونر انقلاب، قبل و پس از تمام تشکیل شدند، از نظر ماهیت و عملکرد ما آن

پیش بسوی تشکیل شوراهای واقعی

تعمیر شده بود. لکن در هر شورا ایران شورا محلی
 "ه کار بود" و "ار حدم" دفاع و دفاعی برانگیز
 رتس" شورا بلد برتری باطن برای آن مخصوص شد. اما
 حلا در عدم که شوراها با حتی رسیدن با و اهرم های
 تشکیل نمی آید. اما در عطف خود را در حد رسیدن
 سند یکا هم انجام داده بود. موجود شوراها در به حد
 انجام وظیفهشان که از حد و حدان بود. اشعار از حد یکا
 بسیار داشت بود. درک و در آرم تشکیلشان را در برگیر
 توره کارگران نبودند.

سایر این علت دیگر شکست شوراها این بود که این
 شوراها طرف تشکیلانی خاصه برای مبارزه در حوسه
 اهدایی که پیش روی خود قرار می دادند. مورد مانه
 شوراها می طلبت تا که باید برای ایجادشان تشکیل
 کسم. ساد و حقیقه از اراده شوراها در حد و حدان
 باشد. اما از دست به تمام رفقای کارگر خود که سازماندهی
 کارگران در شوراها واقعی را در دستور کار خود میسوار
 داده اند. تذکر مهم که به یاد نگه انسانی توجه داشته
 باشد. مکنای که در م توجه و رهپای آن ثابت بخشور شدن
 و می شرماید. رعایت هایشان برای سازماندهی کارگران
 در شوراها خواهد شد. آن نکته اساسی است که شوراها
 واقعی و شوراها انقلابی با یکدیگر میز دارند. و شوراها
 شوراها واقعی ساری اولی و تشکیل کارگزار است که
 ابرار تصمیم گیری و شوراها و در وطن عالی ارگان مبارزه
 و اعمال اراده آنانند. شوراها می تواند فعالیت
 تعریفه باشد. یعنی شوراها واقعی باید اما انقلابی
 همانطور که یکدیگر می تواند. واقعاً حسیرت
 تاگران باشد اما می التل میسود باشد.

ما می خلق خواهان شوراها می انقلابی هستیم چرا که
 معتقدیم عدم حاکمیت مکی و سیاست مستقل پرولتاریت
 شوراها می تواند باعث شکست آن گردد اما باید به این که
 ریاس به ایجاد شوراها می انقلابی تغییر خواهیم یافت. که
 اولاً توده کارگران را در شوراها می و انبرشان سازمان داده
 و اولی و آنان کار به اعمال اراده خود گشته باشند و
 نامیا می توده کارگران را به توده می انقلابی تبدیل کرده
 باشیم یعنی که اراده و تصمیمات آنان تصمیمات اراده می
 انقلابی باشد.

از چه در هر دو این وظائف میس سازماندهی کارگران
 در ارتگان های اعمال اراده شان از یکدیگر و از سوی دیگر
 ارتقا سطح آگاهی شان طبقی کارگران و طبقه است. اما
 باید بدقت پیرومهای متناوب استقامت و دو طبقه را از
 یکدیگر تمیز دهیم. تشکیل کسم و باز شناسیم تا طبقه
 اصولی آند و حسیرت گردد.

بدون شک یک شورای انقلابی برای آزادی مکی
 و شرط زندانهای سیاسی مبارزه خواهد کرد اما خط است
 اگر ما کوشش در راه سازماندهی توده کارگران در شوراهای
 واقعی شان را تا درک ضرورت آزادی مکی و حسیرت

زندانیان سیاسی از خانه توده می تا تخریب آنها برود
 ایندورا ما در راه آزادی و انقلاب کشیده می کارگران
 صبح میس مانند تا شورش را ایجاد کنیم که در راه
 آزادی بد انسان سیاسی بگذرد. حسیرت که کشیم
 به تأخیر انداختن سازماندهی کارگران در شوراها
 و احیای شان طبق و معترض کردن آن می میسود. خط حسیرت
 خواهد بود.

ایجاد شوراها میس. در توده امپراتور کارگران را
 در دفاع از حقوق که هم اکنون خواهند دفاع از آنها
 هستند. دستور خواهد کرد. نامیا توان کارگران به بران
 ریس از حد مبارزه میس تا آن راه آنان خواهد بنامند
 نامیا میس شرايط را برای ارتقا سطح شعور طبقه
 کارگران و شایسته آگاهی و رهبران از سوی آنان و است
 به پیش میس آنان در عمل ایجاد خواهد کرد
 خلاصه اینک ارتقا سطح شعور کارگران و تبدیل آنان به
 احیای اراده انقلابی و بنامه میس که سازماندهی میس
 اشعار میس زمان است و خود شوراها وجود بلد شورای انقلابی
 است. و طبق است که احیای شان برای آن است
 کوشش ما. خود مبارزه سازماندهی کارگران در
 ارتگهای طبقه شوراها می واقعی است.

بنابراین ما در آغاز میس حرکت میس سازماندهی
 کارگران در ارتگهای اعمال اراده میس شوراها میس
 به دستور و مذهب. سیاست ما و عملکرد های که این
 شوراها می واقعی در پیش خواهد گرفت کاری نداریم. بلکه
 می توده کارگران را به ارتقا شعور کنیم که در بدست
 کسم میس از آنچه که اینک است. این اراده کند بنامه
 که اینک است. در پیش حال امروزی است که بنا مناسب
 ترین اشک را برای ارتقا کارگران در ایجاد سیاست های
 انقلابی خواهد داد.

حکمت صحیح این دو پیوسته در عمل اشک میس در حد
 تعداد بیشتر از کارگران میس و فعال را برای آسمان
 حرکت در مبارزه میس کسم و به حرکت در آوریم. حال
 آنکه اگر میس میس میس میس را از هم اکنون به
 سازماندهی کارگران را در پیش قرار می میس اعزاز کسم تنها
 کسم میس کارگران را خواهد بود تا ما میس میس
 که برانه حداقل ما را قبول کند و ما ما در نمیس
 انقلابی وحدت میس داشته باشند. صحیح است که
 همه طرفه این شوراها می واقعی را برای ایجاد آن میس کسم
 و اثبات یک شورا کارگری از میس میس و اعزاز میس
 شوراها باید باشد را. امروز به اطلاع های مستقیم
 خود و در به خط های شش میس خود در حسیرت
 شوراها که از کسم و عملکرد میس کارگران میس برای تأسیس
 شوراها می واقعی را بزرگ به پیش میس حد اقل خود سازمان
 کارگران کوشش و فعالیت کوشش کارگران برای تبدیل
 شوراها می واقعی به شوراها می انقلابی به اهرم های که یک

زنده باد سوسیالیسم!

شورای رهبری در اختیار آنان می گذارد. سازماندهی و تعداد امروز ما نیست. "پنجاهموی ایجاد شورای رهبری رهبری کارگران!"

شورای واقعی کارگران انقلابی چیست

آن شورای واقعی کارگران کارخانه که تا خواهان امور در درجه اول سازمانت از سازمان توده کارگران کارخانه یعنی سازمانی که کل کارگران مابریه را در بر می گیرد. وقتی از سازمان سلسله ای توکم معوضی از انسان ها را در نظر گرفتیم که مظاهر پیشروی جمعی آنها، بشترند گسترده اند مانند شورای تسهیل این پیشروی در بر می خورد تقسیم کار سازماندهی و هر قطعه این سازمان وظایف خود را در ارگانی از سازمان و در رابطه تعریف شده و مشخص با سایر ارگانها و افراد سازمان انجام می دهد و این مجموعه در کلیت خود به جهت اهدافی که پیش می رود.

با ارائه اولین تجربه مشخص کردیم که در این رهبری سازمانی که کلیه کارگران مابریه را در بر می گیرد هدف مترقیه آنها، این سلبان نیست سازمانت کارگری و شور و هیاهو فعالیت و سازمانت و فعالیتها، هیوهای نظارتی و تسهیل کننده در جهت ایجاد این فعالیتها با یکدیگر می شود و این سازمانت یعنی کارگران مابریه که فعالیتها را در شورای واقعی مابریه، ارگان افعال اراده کارگران مابریه است. بدون شک وقتی اراده کارگران و تصمیم کارگران عظیمی است که در جهت اراده اکثریت و تصمیم اکثریت وارد نظر

است. و لذا سازمانت در دوز این سازمانت و تسهیل ارگان های سازمان از تصمیمات اکثریت عمومی و واجب است. غالبترین ارگان تصمیم گیری در اجتماع عمومی آنها، آن یعنی مجمع عمومی کلیه کارگران مابریه است. مابریه در تمام مابریه ها، که امکان انعقاد جلسات مجمع عمومی کلیه کارگران مابریه وجود دارد شورای

کارگران یعنی مجمع عمومی و تشکیلات سازمانی کارگران و تنها آن تصمیماتی که به تعویب اکثریت کارگران در مجمع عمومی رسیده باشد صورت شورای کارگران کارخانه نامیده می شود در اجتماعهای بزرگ و مابریه که بزرگتر است

واحد های متعلقه آن و با جلسات تولیدی می تواند در آنها بزرگاری جلسات مجمع عمومی کل کارگران را شکل و با هم می گنجد شورای توده می تواند مجمع عمومی کارگران باشد اما در این حالت توده روح مسئله تخیری می کشد. یا خواهان ارگان و ابزار افعال اراده کل کارگران مابریه تصمیم می گیرد در این گونه صنایع و کارخانهها مجمع عمومی کارگران است. بخش با کیفیت و با ... مزاجتر می تواند تشکیل دهد و هر کارگری از کارخانه همانند کارخانههای کوچک، متوسط و بزرگ است. بخش و با کیفیت خود مانند که همان

مجمع عمومی کارگران آن بخش، قسمت با کیفیت است. در این حالت شورای بزرگی کارخانه مابریه خواهد پیوسته از "شورای نمایندگان کارگران". این شورای نمایندگان، تشکیلات است افعال و نمایندگان کارگران که مابریه را در هر یک از (صنعت، خدمات و ...) کارخانه و مابریه می کشند. این هیأت های نمایندگی که در شورای مرکزی

نمایندگان کارگران مابریه حضور می یابند. به دستخواه دیگرانته در جلسات رسمی شوراهای کوچکتر انتخاب می شوند. حدود وظایف و اختیارات آنها از اساس انتخاب کنندگان تعیین می شود و همان انتخاب کنندگان هر گاه که اراده کنند آنان را حیل و یا تمویب فرستند نیز بنا بر این در کارخانههای بزرگ نیز "شورای نمایندگان

کارگران مابریه" می باشد. به هیأت های انشای سابق که نام شورای فعالیت می کردند می خواهد داشت. چرا که از یکسری شورای نمایندگان کارگران مابریه خود مجمع عمومی تشکیلات تعداد بسیار زیادی از نمایندگان کارگران است یعنی از نظر تعداد ما شوراهای هیأت تعاونی مابریه است

تا ما این نمایندگان نمایندگان مجمع عمومی های تشکیلات کارگران در بخش های مختلف کارخانه است که تنها در مابریه خوب تعیین شده است و اینها، اعتبار تصمیم گیری دارند و از سوی همان مجمع قابل اجرا و تصدیق هستند به این ترتیب شورای نمایندگان کارگران که خود

مجمع عمومی تعداد بسیار زیادی از کارگران مابریه است و غالبترین ارگان تصمیم گیری کارگران مابریه است. هر کارگری در هیأت خود در بخش ارگان مابریه که باشد بخود انضمامت حضور یکی از شوراهای کارگری کارخانه است و می تواند در مجمع عمومی آن، شورای مابریه و از این طریق در تصمیمات آن اثر نماید. هر چه در مابریه است. هر کارگر در مجمع عمومی کارگران مابریه است. هر کارگر در مجمع عمومی کارگران مابریه است. هر کارگر در مجمع عمومی کارگران مابریه است.

اراده کارگران سازماندهی می شود. شورای مابریه که توده به سر می کشد. مجمع عمومی مابریه که هیأت مابریه از این اصناف خود انتخاب می کند. این تشکیلات مابریه و مجمع عمومی مابریه همانند شوراهای سابق بجای شورای یعنی مجمع عمومی اصناف را می گیرد و ابوابه آنها خواهد داشت بلکه وظیفه اداره جلسات آنها بر اساس آئین نامه داخلی را بر عهده دارد. و هر گاه که

شورا مابریه تصمیم می گیرد و با هیأت مابریه وظیفه دارد مطابق آئین نامه دستور جلسات را تنظیم کند و ابوابه مابریه و دستور جلسات آنها را رهبری و اداره نماید بازمان خواهد داشت. وظایف هیأت مابریه همان وظایف رهبری بازمان است. در جلسات شورا درست همانند بازمان در جلسات شورای اسلامی می باشد دوباره دستور جلسه بر اساس پیشنهادات کارگران رای گیری خود. طرح های پیشنهادی کارگران به بحث گذاشته شود به منظور تعیین و مخالفت هر طرح امکان و سرعت یافتن و مخالفت داده شود و رای گیری درست و صحیحی بر اساس نظریات آنها به عمل آید. در این مورد از بعضی می توان و مابریه است

بزرگاری و بازمان جمهوری اسلامی خواهد بود اما آنچه که در مجلس جمهوری اسلامی فعلی می تواند وجود داشته باشد طبق دستور کار کارگران می باشد. مابریه تعیین شود از این طریق در مجلس کارگران خواهد بود. مابریه تعیین می شود از این طریق در مجلس کارگران خواهد بود. مابریه تعیین می شود از این طریق در مجلس کارگران خواهد بود. مابریه تعیین می شود از این طریق در مجلس کارگران خواهد بود.

صلوات یا کلمه بودن، کلمه بودن یا حزب الله بودن، کم سابقه یا بی سابقه بودن و غیره ... باید شرایط بوجود

طرحها با محور جنب پیشروان نداشت خواهد داشت اگر چه هر دو جوهر یکسان دارند ؟

د- تبلیغ بوده در میان کارگران بر اساس سیاست تبلیغاتی واحد و مشغول گاه کردن آنان به صورت ایجاد یقه شورای واقعی و مراه کردن آنان به معنای در ایس جهت و همین آفرین صوبی پیشرو خشی کردن هر سبوع تبلیغی که بر طبقه متشکل شدن کارگران در شوراها پیشان صورت می گیرد . این تبلیغ هم بطور شعاعی و هم گسی باید بشوهای اصولی سازمان داده شود . از طریق این تبلیغات استفاده فعال اکثریت کارگران از مراهوان تشکیل مجمع صوبی در روز خود از همه ساز و نفس شود .

ه- تهیه یک نقشه عمل کامل که بر اساس آن در روز تشکیل مجمع صوبی تمام عناصر فعال در عاها همگی گامی با یکدیگر بورد و برای مقابله با هر اتفاق متعینی که متوجه حلقه را بهم برسد آمادگی فیزی داشته باشد .

و- تعیین شایسته ترین بوفد تشکیل مجمع صوبی و روزی که کارگران علیه آن اعلان در مجمع بوا خواهد می نیز سببند ایند بیسی است که این سیاست ترین بوفد حدی بر اساس پیشرویت کارهای بوفد آلدی بوسی بوجه آمادگی کارگرمونی آادگر هیات شورای پیشقدمی آادگی بود و نقشه شعاعی و اساسیای پیشقدمی و ... مستخدمه خواهد شد .

لازمست که در رابطه با پیشبرد وظائف بوزار کارگرمونیست نه کرد به هم .

اول اینکه هست کومیسر. دایره تک نماید هر دو سبب است و استقلال خود را در مقام همکاری و اتحاد عمل از دست بدهد . اما که اختلاف و اتحاد بدست آمده است وظائف در خارج از شورا نباید یکی به گسسته مشترک این استتلا و اگر از شود . کومیسر ها در نهایت باید بعنوان بگمتر و حدی و نیز حد امکان شورا شایسته شوند .

دوم اینکه تبلیغات خود را می نماید شعاعی و اتحادی گردد که قبل از بسج کردن کارگران ، پلیس سیاسی را بسج نماید . در هر حال حواس این تبلیغات ، بصوبی رابطه تبلیغ گسی و شعاعی- بصوبی مستخدمه شود که به محوصه طبقات که خود تبلیغی طریق از کار خشی و طس باید بانی در حال و آینده لطفاً نزدیکند . در تبلیغات خود های بصوبی متوجه این نکته باشیم که برای حفظ حمایت کارگران از جنبت در بوزاری نباید از مزایای شورای انقلابی سبب بگومیم بیشتر است که هر گونه بخشی در تاره معنوی شورا را به تصمیم گیری خود کارگران در عملیات شورا حواسند بدهیم .

سوم اینکه شورای واقعی برای هر فرد در کرات و حدی مطلوب است و لذا اصرار بر اتحاد عمل باید با بگمتر دنبال شود . عناصر فعال بصوبی از همی موضع در کرات نمودن باید تحت فشار قرار گیرند و مخالفان از همی موضع اشاعه شوند .

چهارم اینکه لازم است برای از میان برداشتن جوانب خاصی که اشتغال بر سر راه است مانند پاس و نوس و سبب با همیسم کارگران برناضای و بجمعی تنظیم ندهد و بصعمل در آید . همیسم از امکانات و تسهیلات موجود حد اکثر بصبر و آوری بشود اگر در کارها های هنوز رسم

تشکیل مجمع صوبی کارگران بر چه بنده است لازم است که بر رنگ بگومیم که این عملیات منظم تر و بصمیمت تر تشکیل شوند . لازم است که در رابطه با فعالیت در این بوم مجمع صوبی ها که ادوار آرا دستان کارگران بصببند بداند بر نامه های دوران انقلاب تهیه و آرا شوند . مجمع صوبی تشکیل باید گردد . شمارگی است که هر چه زودتر باید بر در و دیوار کارخانهها نقش بندد .

باید هر یک همه این طبقات باید زیر نظر یک مرکزیت واحد بطور منظم و با حساب انجام شود . این مرکزیت سبب به شرایط می تواند از میان نیروهای متشکل و حارز و انقلابی کارخانه که در انقلاب حضور دارند انتخاب شود و با خود هست کومیسر. باشد .

امید داریم هستهای دایره تک ا. م. ک. در امر سازماندهی شوراها پیشنهاد داشته و دایره تک هایی که کومیسر ها می آن ها حضور فعال دارند هر چه زودتر با تشکیل شوراها واقعی به درهای مستحکم برای کارگران شعله شود .

به امید موفقیت

شعار سبب : قدرت شایه کارگر

بلخ و با هر سبب سبب است . از سون دیگر اگر ار هم کنونی و بلا فاصله سبب تبلیغ و اتحاد و بنفاله سازماندهی بوزار و در دستر بگد ایهم به بولسیت کومیسر با عمل خشی کارگر تومه بگیم همه تلا برام حاصل خواهد بود و با زان اتحاد بصبب سبب سبب خود خشی در یک حربه نیز با هر خواهیم به ند .

حرفه ای سازماندهی کارگران بصبر و بگمتر با همی در نهایت معانیت ماست نباید گسترش آن از حد گذرند در دست کارگرمی فرار گیرند . اتحاد عمل و وظائف دیگر که در بوم و سبب با شایق آمدن بر رنگد مبارزات کومیسر و معال کومیسر بخت قابل ملاحظه ای از رابطه کارگر در مبارزات حارز خشی سازماندهی کومیسر. سوزاگر بخواهد در سطح وسیع بصببت آمر باشد

به ایجاد تحریک در طبقه کارگر سازماندهی است . به این ترتیب نباید در کواتا به بدست بگیم وظائف عملی در بوم ایجاد ارگانسی و انقلابی تشکیل بدی بصببک بر این طبقه سبب تشکیل کرات آن بصبب ساختن طبقه این ارگانسی را . تحت الشعاع مبارز

دعد . اما نباید در تبلیغ ضرورت ایجاد این ارگانسیا راهی اکنون بگمتر اعلا تر کنیم از نظر تشکیل بوانب و ایلو ازر راه برد ایسم و در شرایط بولسیت سبب گامهای عملی سازماندهی این ارگانسیا را در بوم و وظائف سازماندهی خود قرار بدیم نکته سبب اینست که هر فرد را در شرایط حاضر در سازماندهی مبارزات موجود فعال تر بایم بصبر و وظائف تشکیل خود

بویژه حارز همیان تشکیل منظم بصوبی همی و همی واقعی متشکل بران را بوترتر به بصببیم . در گذر از وظائف سازماندهی بوم اولیوم بوفد ترخوا بصببیم . در بوم و طبقه سازماندهی که موطا به آن اشاره کردیم با دیوار همین اینکه بگد حدی خود برای مثال جاز صبرای تشکیل شوراها واقعی خود خشی از مبارزات برای ایجاد شوراها واقعی است که در آید . در هر بجه جنگ خواهد بود اندامت . شرط لازم بصببت نا قابل و ترکیب وظائف سازماندهی بوم و وظائف سازماندهی واقعی و انقلابی در راست .

نخستین از صفحه اول

در باره موضوع و حرکات اخیر سازمان معاهده

محل

مبارزه انقلابی طبقه ریزم محدود طبقه مایه قبل (۱۹۰۲ / ۲۹) اعلامیه را با نام سازمان معاهدین: قبل انقلاب با قبل ضد انقلاب! منتشر کرده اند. ما با تأیید کتاب اعلامیه رفا در ایسا و این مطالب و خطوط گوی آفرین نقل می کنیم - امیدواریم این نوشته ها چگونه که در تاریخ و این اصحاب بوده است به ایجاد تحریک لازم در میان تمام رفا و پیروان رفا کارگر در برخورد فعال با عوامل آن و عناصر معاهد گمگش

اعلامیه رفا و اصحاب از سه بخش تشکیل میشود: رفا در سطح و ضرورت تحلیل مارکسیستی - موضوع حرکات اخیر معاهدین را بیان می کند - سپس با بررسی شیوه ها و اهداف معاهدین در مبارزه طبقه عبوری انقلابی - تحلیل موضوع حرکات این سازمان می پردازد و در پایان رهنمودهای آریبردهای را برای برخورد معاهدین در معاصر معاهد ارائه می دهد.

۱- چرا تحلیل مارکسیستی موضوع حرکات اخیر سازمان معاهد ضروری است؟

رفا در ابتدا تأکید می کند - تحلیل طبقاتی با گرایش - سپس از این حرکات معاهدین به نسبت رفا و سیاسی و اجتماعی به میزان زیادی نادریستی این حرکات را به اشتباه رسانده است. اما در این مبنی وجود دارد که ما را بر آن می دارد تا بطور ویژه حرکات این حزب را تحلیل کنیم - نکات و مبرهنه های مهم این دلیل مورد اشاره رفا - تفسیر می گردد.

اولاً نمود اشتباه تفسیر این سازمان معاهدین برای آن بهتر از آن بوده که ما این سازمان بخون بهائیت هویت ها و سامع خود می نگرند اما این مفهوم آریبردی و عقاید با نقش سیاسی که سازمان معاهدین می تواند همراه با هر سازمانی بوده ای اما اشتباه به واقع لبرالی و اتحاد خود با لبرالی برای به بند کشیدن مبارزه بوده در معاهده و سازمان لبرالی آنها که تا نا ا لبروم مطالبه با تأثیر و جناح سوسیالیست که موضوع حرکات اخیر معاهدین روی بوده و سازمان آریبردی و ضرورت ایجاد با سر و فعالیت در میان آریبردی - تا کسی گذشته است. او را علاوه رفا بلکه بر آن که اعلامیه - تنها بعضی جزو و جهت پاسخ گفتن به آن است بطور ویژه می مورد تأکید قرار می دهند: "مفصل نظامی شدن سازمان و ضرورت وارد بر آن که قطع ارتباط بسیاری از اجزا جنبه سیاسی سازمانهای و ستمیان و سایر تشکلهای خود را در پیوسته سازمان را به همراه داشته و نیز مشاهده معاهدین سازمان در عمل توسط بسیاری از عوامل آریبردی - اکنون همه رسانای از عوامل آریبردی نامید و سردرگم روجه سازمانی خود را از دست داده اند. هدفی دیگر طی رفا در موضوع سازمان از آنجا که راه دیگری را نمی شناسند و در واقع طایفه نادریستی موضوع

آخر را هم نمی دانند و عمل شده و حتی بعضی بحث آنکه بحث تصفیه هستند. اگر کسی کشیده اند و هیچ انگاش برای بحث شدن و حتی زندگی کردن ندارند. خود را به پلیس معرفی می کنند و البته با حفظ روجه سازمانی خود با دست به حرکات باهر اجزای آن تهرستی و می دهد. رده خود را به ناپودن حدی می کشانند و ... در میان این عوامل وضع کارگران خود از معاهد در کارگاهها بحث جز عثمان بسیار شده حکم بر کارگاهها و وطن کارمندان گذشته که ناسی از آریبردی های معاهدین و توهم آنان به انقلاب بودن رژیم بوده است. بسیار ناخوش و بی حس و پشیمان است. اینها و پیروان کارگران و زمینکاران خود را به بعضی افسران اصلاحی مردم دست نهاده ما هستند که با توجه به قطع ارتباطات با سازمان. شما عمده سازمانی جانب. عوامل رژیم. تبلیغات سازمان آریبردیها و اقدامات رژیم و اصلاحیهای سازمانها نیز برای تنظیم شدن به پلیس در پیوستن سازمانها و رفرم و بعضی افراد گرفته اند. بخشهایی حساسی هستند تا در همه توان خود در میان دادن و اصلاح سازمان به آنها. با تحلیل در سطح اطلاعات سازمانها و نشان دادن نادرستی حرکت سازمان و به آن همه توجه سازمانی به همه آریبردیها را ابروی و اصلاحی و در این در به حرکات سازمانها به حد زیاد و رده و حد آنها برای دست بردن به سازمان انقلابی موضوع رژیم سرمایه و جناح های مختلف سرمایه آریبردی را در سازمان ۲- ندرستی کسی سازمان معاهدین می گویند است. این سازمان در وقت که این معاهده قرار گرفته است سازمان معاهدین در خصوص تمام جنبه فرار گرفته است. آیا آریبردی که خود سازمان از ما دارد معاهدین را ایجاد با لبرالیها و این یک ریز به تحلیل معاهدین از منابع طبقه کارگر و نود بعد از زمینکار دفاع می کند و ما آنکه توجه ها پیش کرده و خود را در حد اصلاح و اهداف طبقه سرمایه آریبردی قرار داده اند؟ آیا آریبردی که خود سازمان معاهدین است معاهدین بیشتر سازمان انقلابی بر طبقه رژیم می باشد و با آنکه کلاً از جاده انقلابی بر طبقه رژیم دست کشیده هم آنها همان شیوه های بورژوازی و در مبارزه طبقه رژیم در پی گرفته اند؟ این بهترین سوالی است که در تحلیل رفا آریبردی و موضوع حرکات اخیر معاهدین به آن پاسخ می گوید. رفا در آغاز تحلیل خود با آریبردی می نویسد: "برای شناختن حرکت معاهدین باید به سبب آنها برای مطالبه با رژیم و ریزم و سبب هر یک چه شیوه های را به سبب می گویند؟ آیا چه شیوه های می خواهند این شیوه ها را پیش برند؟ چه اهدافی را در مطالبه با رژیم دنبال می کنند؟" و ادامه می دهند: "چرا هم رجون و سایر رهبران سازمان انقلابیست - حقایق وحدت و سفلیان را در معاهد و حرکات سازمان در ماه اخیر از زبان افراد معاهدین پاسخ مختصر می دهند به این سوالات می دهد - شیوه های طبقاتی سازمان از قبل تصور سازمان

تصمیم گیری درباره اخراج آنها در صلاحیت مجمع عمومی کارگران است!

و میره‌ای، حساس و مریح‌سازیم، نفاخ‌ه‌ای، سلحانه،
 حیوانی، سطح به مرازگ‌سپاه، حیداد، کینه‌دار، نوسط‌موان
 عبرمان و از جان گذشته برای دل و حرّات خشنین بسه
 مردم و نوز دست زدن به هر نوع حرکتی که میره‌های رژیم
 رژیم به وحشت اندازد. آن‌ها را سردرگم، اراک‌نپای سرگوب
 رژیم را فلج و خلاصه به نحوی رژیم را تضعیف کند - با کدام
 شیوه؟ اتحاد معاهدین با عناصر ملی و انقلابی (۱) از
 قتل متصدّر - جیبه طنز - مودران معاهد ارشینی و مثل
 شکل مغزی (۲) - ارتش‌های برتر در این معاد، عناصر مسلح
 شه‌دار حساسی‌ها و ...! هدف تبلیغی؟ سرنگون کردن
 رژیم و با دست‌نرسیدن کردن حزب انحصارطلب که در رأس
 آن عینی قرار دارد و ایجاد یک دولت دگرگونی‌کننده اسلامی
 و مردم‌شکو، بر "اراده آزاد مردم" که به شعار "استقلال،
 آزادی، جمهوری اسلامی" و "همان شعار مردمی" است. یعنی
 بشود.

سپس، رفا حسنه به بررسی شیوه‌ها و بعد به بررسی
 اهداف معاهدین در مطالعه با جمهوری اسلامی می‌پردازند:
 ۱- شیوه‌ها و شیوه‌ها: معاهدین ادعا می‌کنند که بنا
 بر عقاید سلحانه می‌توان رژیم را تضعیف کرد و به مردم دل‌ز
 جزات بخشید. رفا به بی‌پایگی این ادعا با آن روشنی را
 اول با روشن کردن صفت "تضعیف رژیم" می‌پردازد. بررسی
 موضوع "دل و جزات خشنین" به مردم نشان می‌دهد که
 اندیشه‌ها تضعیف رژیم:

رفا علاوه بر آن بعد از ادای معاهدین با خاطرنشان
 می‌کند: "ما باید به مردم که تضعیف رژیم معادله‌ای نشود، اما
 دادن به مردم دستیار و دست‌اندرکاران است که هر نوع
 تضعیف رژیم و به هر نحوی نیز با هر طبقه منابع کارگران و
 زمینکنان نیست!"; بنابراین دست‌ان معاهد از این گونه
 رفا کاملاً "تضعیف شده" و اعتراض خواهند کرد: "چطور ممکن
 است هرگز تضعیف این رژیم ضد انقلابی، ضد مردمی،
 سرگوبگر و حیوانی" بر طبق منابع کارگران و زمینکنان
 نباشد؟ اگر به هر نحوی که شده در بر سرگوب رژیم و بطرح
 کنیم و ما کاهش در مردم این که نفع کارگران و زمینکنان
 است، و بعد با نیت، برای آن‌ها این نامآوری و دست‌ان معاهد
 اندکی تحریف پیدا کند، آن‌ها واقعاً دشمنان فدایی و کینه‌کار
 نوزدهم، به راد پور آمریکا و اختیار سلطنت طغیان نوزدهم
 می‌دهد. این دشمنان شناخته شده و فدایی کارگسوان و
 زمینکنان نیز به نوبه خود و با شیوه‌های مخصوص مردم برای
 تضعیف رژیم و سرنگون کردن او یروگوشه آید در این شک
 است که آنها رژیم را براد منابع کارگران و زمینکنان
 تضعیف نمی‌کنند؟ پس با یک نگاه به تعالیم این دسته از
 معالمان رژیم باید قبول کرد که طرفی از مبارزه برای تضعیف
 و سرنگونی رژیم وجود دارد که حتماً بر طبق منابع کارگسوان
 و زمینکنان نیست! رفا ادعا می‌دهد: "بنابینا کارگران و
 زمینکنان (و باید گفت متناقض‌تر و پیچیده‌تر از هر کسی) و
 خواهان تضعیف رژیم و سرنگونی آن هستند. چرا که رژیم
 سرگوبگر، ضد انقلابی و نوگر سرمایه‌داران است. اما صرف
 انقلاب می‌باید در مورد شیوه‌ها و طرق مبارزه‌ها هم مثل
 اهدافش کاملاً خود را از گنگه حناخ‌های مختلف سرمایه‌داران
 جدا کند و برای انسان‌ها باید دید که آیا معاهدین بسا
 عقاید سلحانه و با اتحاد با لیبرال‌ها چنین کرده‌اند؟ به

صلحیات سلحانه و نتایج آن نگاه کنید رژیم ما نوزدهم، آن
 بارها و بارها نوازست مونیور و معضات را که براد انداخت
 و جاسا پاش را در مقابل نوزدهم توجه کند و سرگوبگر بسا
 را از این نوزدهم، در مقابل دست که از اینها مظلوم‌پاشی کند،
 انقلابیون و کونیست‌ها را به نوزدهم، به سوزش کودکان
 بیگناه و ... تضعیف کند و مردم را در طریقه آنها سرگوبگر آید
 این خدمت به انقلاب و با جد انقلاب است."

سپس رفا با برقر کردن دگر نتایج و عوامل احساسات
 سازمان معاهدین با لیبرال‌ها و یوزی آوردن این سازمان
 به حرکات سلحانه که لاابوح گردید امکان طراوت و مقاله
 با طریقه رژیم از نوزدهم سلب گردد، نشان می‌دهد که
 اتحاد معاهدین با لیبرال‌ها و عقاید سلحانه آنان برای
 تضعیف و سرمایه‌گرسی رژیم، در ابعاد نتایج و عواقب
 خود به نظر "بر طبق منابع کارگران و زمینکنان معاهدین"
 بلکه انسان‌ها در خدمت شیوه سرمایه‌داران و بر رژیم اسلامی
 او، قرار گرفته است.

۲- "دل و جزات خشنین" به مردم
 رفا می‌نویسد: "در مورد شیوه‌های خشنین به مردم
 هم نصیحه از همین قرار است. چرا که باید دید معاهدین
 برای چه کاری می‌خواهد به مردم شباهت دهد؟ برای
 اینکه به مردم شباهت دارد همه حیات است، اما به تضعیف
 هدف‌اندیش لیبرال‌ها باشد نیز معاهدین سرمایه‌گر سلطنت
 طلبان را؟ بعد "برای آنکه مردم سازمان‌مانده، نوزدهم
 می‌تواند بر مردمی که هنوز از هیچ لغافظ قدر کارگر
 آید، برافروشی به رژیم اسلامی بسیند، اما هرگز نتواند
 آثارش را در پیش به مردم بگذرد، سرمایه‌گر و غیره را در
 یک جنگ نابرابر؛ رژیم دگرگونی‌کننده، این که نتواند
 است؛ بلکه راه‌هایی گزینده آید، بنابراین آنکه به
 صلح کشاندن کارگران و زمینکنان است."

مکن است معاهدین بگزیند مردم از این عصبه
 اهدام، صواب و نتایج رژیم به حرکت درمی‌آید و علاوه
 خود اعتراض‌کننده‌ای خواهد کرد، اما باید جزات داد
 که اصلاً پس نیندازد گاهی است برای اثبات صحت "س
 ادعا" به ما راه امید نوزدهم شود. اگر نوزدهم را کارگر و
 زمینکنان ایران، با "سپه نوری گرسنگی و بدبختی که رژیم به
 آنها تحمیل می‌کند، با این همه حناخ‌های که رژیم در ده‌ها
 اگر کار معاهد گرفته تا بداند، در ذات و ادوا و انجام می‌دهد
 و با روشن کردن عیاره و امری‌س‌ها و دروغ‌ها و نشانه‌های رژیم
 به حتم و به حرکت درمی‌آید و حرکت عاود و پاسه
 می‌کند، باید پیش‌بینی کرد که با حرکات معاهدین جوان ایران
 گذشته و هر چند اقدام‌ها را با اهدام آنها نوسه رژیم به
 حرکت در نخواهد آمد، همان که تاکنون ساده‌اند؛
 و بالا خود رفا نتیجه‌گیری می‌کند: "اگر رهبری سازمان
 اهدام و هواداران نوزدهم به حرکات سازمان نتواند آنچه
 را که کمترین انگار کند، توجه کند و چنان خود را بسیر
 و انصاف بسند، به یک چیز اطمینان‌ساز می‌تواند به انگار
 کند و آن این حقیقت بطلانی است که سازمان می‌خواهد پس
 با حرکات خود و اتحاد با لیبرال‌ها نشان می‌دهد که
 فداییان به نوزدهم کارگر و زمینکنان و به قدرت آنان چنان
 مدارد و نشان داد که از نظر سازمان آنکه "انقلاب‌کار"

توجه داشت و به کار تهریست های ایران سفارت خود را از نو دعوت
 جری ملت است! این واقعتیست به پیشرو بود است چرا گشته
 سازمان معاهدین برای ملاحظه با فروش زمین سازمان اعطاء
 و عده معدودی از افراد ایران تشکیل آنرا و به تشریح
 اعتراض به حرکت در آورد و با لیبالیای خدا ملای اتحاد
 کند چه کرد؟ که از به چه طریق حتی در امان هم گشته
 توجه های وسیع نگه کرد * سازمان ملل آنرا کرد که با
 طبقات سلطنت به مردم عزت بی دهد * این بی اساسی
 سخن است به مردم - مگر همین کارگران و دستکاران بودند که
 پراکنش خود را چاه داده در مقابل فلنگ ارتش حاکم
 استاند و فریاد گشته اند "من سرتو خالی" پس چرا
 امروز جنس بی گناه؟ آیا از خود پرسیده باید چسب
 امروز ساکت بنشیند؟ طبع آری بانه باید که هر خواهی با
 طبقات سلطنت به آری آرزوی خرد بدید ؟
 * آیا خدا نیست که رحمت در پدای خود میسرورد
 آزاد می معاهد پیش شد (خطاب به مردم می گویند
 سلطنتی شما را چه عده که نیتاید ؟ چرا در حال
 امد سوزانی گشته سوزان کردید ؟ ما بی سوسه ملای
 سازمان معاهدین در راهی به مردم نگاه می بینید با آری
 تنگ کرد و گوشه که آری برای مقاومت کردن بگفته اند
 و دست گرفتن حکومت سازمان را به آری از آنرا که مردم را
 نیتاید بلکه باید بنشیند با آری بگفته اند * مردم
 را بشناختن آری * سازمان معاهدین با تهریست
 سازمان که در سازمانی جوانان سازمان و دانشجویان
 سلطنت - طبقات سلطنتی کارگران - دانش و دستکار
 بود معاهده ؟ این سازمانی که گفته آری از آنرا می پرس
 است که عده معدودی از آری به طبقات سلطنتی
 خواهد شد و به کج - بدون سازمانی و مستقل
 شد ؟ سازمان معاهدین چرا برای ملاحظه با زمین معاهدین
 نشاند "صمیمه مقاومت" با لیبالیای به تشکیل شده
 مقاومت در میان کارگران و دهقانان - دانش آویزان - گشته
 ارتشیان و ... دست برد و تهریست با آری را برای
 تشکیل کردن توسط برای ملاحظه با زمین به عده تهریست
 شعار "حکومت سوزانی" میگرد - دستکاران - دانش آویزان
 زمین و مت و چرا حاکم با حکومت تشکیل از صمیمه سلطنت
 در صورت و ... چون شد ؟ معاهدین با آری خود را زند
 در میان افشار و طبقات سلطنت مردم که ام حرکت افشاری
 تهریست را بر طبقه گزین - میگرد - دستکاران - دانش آویزان
 دستکاری در کارخانهها - امد ام انقلابی و خود تهریست
 حاکمان پادشاهان - بیسج و ارتش براد امد است - سازمان
 کارخانهها - که ام حرکت افشاری - که ام حرکت تهریست تشکیل
 شوراهای - که ام افشاری به استخراج - دستکاری و امد افشاری
 کارگران را براد امد است - جواب به این سلولان صمیمه
 است و هیچ !
 و امد ام معاهدین *
 رفته پس از بررسی شوراهای معاهدین در سازمان

عمودی اسلامی به بررسی امد ام معاهدین میسرورد
 و در این بررسی "میان وحدت" معاهدین - معاهدین را
 خود استاد قرار می دهد -
 "معاهدین در جای و دست حکومت سوزانی مردم
 را فراموش کرده اند و از خویش گفتمند است - آری فلسط
 خواستار تهریست حکومت حزب اصحاب مکتب حاکم میسر مرت
 جمهوری اسلامی با دولتی اسلامی - مردم عده اند گشته
 باید به شعار "استقلال - آزادی - جمهوری اسلامی" تحقق
 یافتند - اسم این را که "اسفندی" "سوزانی زمین" آری
 در میان مردم - به دستار که ارتش تهریست با آری
 ارگان بیسج سوزانی و مجلس با آری - و خلاصه
 برای سوزانی و ... زمین اسلامی - است استقلال خلق مگر
 کار زمین اصحاب مکتب و آری - معاهدین - لیبالیای
 سوزانی این امد ام معاهدین را با امد ام - حاکم و
 تهریست ها در زمان شاه ملاحظه کرده و نشان می دهند که
 معاهدین این - همان نشان های حاکم تهریست در
 زمان شاه و ام معاهدین دیگر نشان کرده و همان امد ام را
 نشان می دهند و می پرسند - آری - در حال - چه
 عده - که این جمهوری اسلامی دستار تهریست مردم
 معاهدین میسر - مردم گفتن - آری - که در آری - است
 معاهدین خواهد گشت و آری - آری - مردم
 میسر و آری - که در معاهدین معاهدین و حزب با آری
 تهریست - آری - معاهدین - حاکم - آری - مردم
 و معاهدین - بلکه خواهد شد - چه صمیمی آری -
 معاهدین - آری - امد ام معاهدین میسر - حکومت
 مردم - حکومتی که است مردم میسر - آری - آری -
 با آری - و میسر - آری - ارتش و بیسج مردم تهریست
 خود که در آن حاضر "اصحاب اصحاب" معاهدین - آری -
 مردم در بر زمین کارگران و دستکاران - حکومتی که
 هیچ امد ام آری - حکومت را مردم میسر - آری -
 تهریست مردم و معاهدین بود - است - رفته تا گشته
 فقط به مردم تسلیم شده که از طریق شوراهای سلطنتی
 قدرت را بدست گزین میسر حکومتی - مگر بر آری -
 آزاد مردم - ایجاد کرد - چرا که آزاد - تهریست
 و دستکاران و آری امد ام اعمال خواهد شد که آن ارگانها
 و عواملی که ناموفق و بر طبقه ارتش آری توسط سوزانی
 بوجود امد ام تهریست - بیسج - آری - دستکاران
 سوزانی آری ارتش - آری - آری - آری - آری -
 بیسج و سوزانی مردم گشته خود دستکاران و طول
 دولتی که برای تهریست - آری - تهریست - مردم
 آری - آری - مجلس سوزانی آری - آری - آری -
 خود مردم و مجلس سوزانی آری - دستکاران آری -
 شود - آری - ذراع از حقوق خود - برای تحقق خواست
 حاکم به تشکیل - و به تهریست - آری - گشته
 صلاح کارگران و دستکاران خود را میسر و خود
 اجرا گشته آن باشد و میسر مجلس سوزانی و پارلمان

پیروز باد جنبش مقاومت خلق کرد!

با هر ارگان حکومتی نوع سرمایه‌دارد که ضامن پایه‌هاست نمودن حقوق مردم باند. فقط و فقط مجمع نمایندگان شوراهای صلح کارگران و زمینکنان سرمایه‌داران بالاترین قانون‌گذار تصمیم‌گیرنده و محرز باشد. این است حکومت آزاده، آزاد مردم و حکومتی که توده‌های انقلابی به آن نیاز دارند و نه حکومتی که عداوت بین قوای را به مردم می‌دهند!

رفقا نتیجه‌گیری کنید: بدین ترتیب معاهد پس اصلاحات می‌دهند که نه گردیدار بدست گرفتن قدرت معاندانکه به مردم و سرمایه‌داران قدرت مردم بدهد خواهان گردید. قدرت از بالای سر مردم به همراه لیبرال‌ها و بر علیه مردمند. معاهدین ما این حرکات و با اعلامیه جنبش و وحدت... به توده‌های می‌گردید مردم شما سر جراحی‌هاست حکومت را بدست گردید تا بخوان شما به سران لیبرال‌ها برائتان حکومت "مردمی" درست می‌کنیم. شما گاهی استاد (با) و لیبرال‌ها حمایت کنید.

و بالاخره وقتاً به از نشان دادن اینکه چگونه معاهدین هم از تسلط شیوه‌های مبارزه‌شان طبقه محسوس و اسلامی که اساساً عبارت است از جوارو از بالا بدون ددالت تعالی توده‌ها و بدون اینکه به توده‌ها و قدرت مستقل آنان هم از تسلط توده‌های که در این جوارو به آن انگیزه می‌کنند یعنی لیبرال‌هاست شدن آنان و هوادار معاهدان خود که ضامن است از روی کار آوردن حکومتی لیبرالی سنگی بر این، پلیس، ابراهام و کلا ابزارهای سرکسوت می‌باشد. به طبقه مردم در این معاهدند. تحلیل خود را از حواصص و حرکات این معاهدین با حلقه "آر.بی.سی." لیبرالی صلح است. به ما با ما می‌آورد

پیشنهادات

۱- رفا در آثار تا که می‌کنند که راه مبارزه روشن است: کارگران و زمینکنان بویژه کارگران و آگاه کنیم که فقط با گرفتن قدرت بدست خودشان و با طرد کلیه صاحب‌های سرمایه‌داران می‌توانند با امپریالیسم مبارزه کنند و به حمایت‌های سیاسی و اقتصادی و نشان بدست ما به آنها برای تشکیل شدن در شوراهای نشان و هر ارگانشان سیاسی و عصر توده‌های در کارخانه، معملات، ادارات، مدارس، دهات و... کف کنیم. اعتراضات آنها را به سر طبقه شرایط ناکثیر اقتصادیشان و اشتغال و سرکوتگی‌های رژیم در هر سطحی که هست سازمان دهیم. پیشنهادشان را با توضیح کلی طبقه‌نمایی توده‌ها، با توضیح رسالت دمپری کنند نشان و... به قدرت توده‌ها بزنیم و آنها را به مبارزه بکشانیم. با نشان دادن ضعف رژیم ما آینده درخشانی انقلاب مردم به ارضان می‌آورد، آنها را تشویق نکرده و به مبارزه بکشانیم...

۲- رفا هواداران و عناصر معاهد را به دودست تقسیم کرده و هر دسته را در آلمان بطور جداگانه محسوس خطاب قرار می‌دهند:

۳- کارگران! بسیاری از شما به سازمان معاهدین ختیم بویید اما بخت کردن معاهدین به انقلاب یکسار دیگر به شما می‌آورد که رهائی طبقه کارگر بدست خود کارگران امکان پیدا می‌کند. شما در اقتصادان به سطحی و در ظرفه‌های آنان از منی حد رتبه اول تجربه کردید.

نمایندگان طبقات دراز و سینه حرفه همیشه تلاش کرده‌اند تا خود را بعنوان نمایندگان شما و اقتصاد و اهدا نشان را بعنوان اهدان و اقتصادات شما جا بزنند. اما نمایندگان واقعی شما کمونیست‌ها هستند و ابزار اقتصاد و سرمایه‌داری و سرمایه‌داری نام اجداد حکومت کارگران و نظام سوسیالیسم است. فقط مارکسیسم بطور علمی رسالت و وظایف تاریخی و طبقاتی کارگران را بررسی کرده است و به آنها آموخته است که در مبارزه طبقه سرمایه‌داری، طبقه کارگر طبقه‌ای تا به آخر انقلاب است. و ما امروز بر طبقه نامی که حقیقه کارگر ایران تشکیل داد، به انگلیسی مارکسیستی و طبقاتی دست نهاده و حزب کمونیست، حیات طبقاتی این امر برای ما دارد. نه تنها شوراهای توده‌محیط حامی‌ها گان طبقات دیگر فریب خواهند خورد بلکه حرفه روزگاری و نمایندگان سیاسی طبقه متوسط از لیبرال‌هاست معاهدین همیشه در شرایط فطری به سوی سرمایه‌داران خواهند رفت و به مبارزه انقلابی کارگران صریح خواهند

۴- پس شرط اصلی جلوگیری از پیوستن خود می‌تواند متزلزل به صدور سرمایه‌داران وجود فطری کارگران است! آن را بوجود آوریم و در این راه بخصوص بر تاج اقتصاد مبارزان کمونیست که سرمایه‌دار مبارزه طبقاتی کارگران، سوانح سرمایه‌دار و جنگی در تمام کویس این‌ها را به یوتوسی نشان داده، می‌ماند چرا که اینها را می‌توانیم

۵- هواداران توده‌های و هواداران تنگنا معاهدین اشتغال و سرکوتگی، مستحق وضع خود را راه پنداری کردن است. شرایط کوهی که ابراهامیت و برای هر مورد از است. مثلا به این انقلاب امپریالیست می‌است. بخش شایسته ما، با پیوستن سازمان معاهدین و با تقویت نیروی سازمان و اصلاح نظامی و هواداران معاهدین سازمان. این لیبرال‌ها در این آخر ترمیده است. نشان دادیم که شرایط را به انتقادی و نشان می‌دهد هر یک که سر قوت کرد ما نشان دادیم که معاهدین با چنین حرکات و اهدای می‌توانند و می‌توانند راه به حاشی انقلاب ببرند. اکنون راه مبارزه و پس است آنها در پیشگاه معاهدین و نظام می‌کنیم که کمونیست‌ها به تپه

نماینده سوسیالیسم که نماینده واقعی دگرگونی خود هستند تاریخ بارها نشان داده است که رهبران دگرگونی خود بزرگ این شوراهای در حدت‌ترین و برای ترین شرایط به توده‌های انقلابی خود می‌توانند غیبت کرده و به صفوف بونگاری می‌توانند... اما کمونیست‌ها که دگرگونی را بخاطر نشان کردن مبارزه طبقه کارگر برای سوسیالیسم طلب می‌کنند تا به آخر انقلاب خواهند بود. به عنوان کمونیست‌ها بویید به تا می‌توانند حکم کارگزاران و معتمدین به مبارزه طبقه سرمایه‌داری و فلاکت‌های ناشی از آن بپردازیم بر تاج حد اقل اتحاد مبارزان کمونیست راه انقلاب و دگرگونی ایران و ارضان داده و اهداف دگرگونی انقلابی و کمونیستی و انقلابی دگرگونی میان بزرده است. صفای دگرگونی هر جرمی است بر تاج حد اقل است! آن را اصلاحات حرکات انقلابی خود قرار دهیم.

۶- بالاخره رفا وظایف زیر را بر عهده آن بخش‌های خود قرار می‌دهد: اهداف معاهدین که نامرئی حواصص

سازمان را بد برده اند. فراری ندهند!

الف - با صاعقه که قیلا در یک هفته، نیم و بیست و ارگان گروهی برده اند. شانس شگلاتی و با مزاحمت کاسل مؤت امتض (بگورید. بر جانی این نوشته، بر مبنای راه درست مبارزه، انتهای را که مصلحت بنده اند، سود مردم و پریشان اند. - مبارزه بکشاید. ارتباطات گسیخته شده شگلاتی بالا و پاشی را برقرار کنید. در اولین قدم حرکت سازمان را از موضع انقلابی عقب نبروید. بدل انتفاضات و اعتراضات سازمان را توضیح دهید و آن را به شکل منوی مشترک سازید.

ب - عنوان برای توده های سازمان را در کارزار، تبلیغاتی در انجمن آزادی و ... در زمای جمعهای ۱۰ و ۲۰ پیوسته میباشیم و آنچه در این نوشته آمد و نیز بر مبنای برنامه اتحاد سازمان کونیست با اصول از موضع انقلابی سازمان دهید. مثل اعتراضات سازمان از راه درست مطالبه با آن در صورت مبارزه و رژیم در شرایط گونیست و آزادی آنها توضیح دهید.

ج - در مورد نه شگلاتی شگلاتی بگورید. با توجه به امکانات از هر چه کنی به دست بیاور. که می تواند به جوی انقلابی باشد. اختلاف مبارزه شکل درج نمودار گورید.

در پایان، موقعا تاکید می کند: «طرح کونیست ویژه کارگران کونیست می باشد. در مبارزه با اعتراضات میباید در شکل گوناگون پیشقدم باشد و بطور خشک نباید بر با هواداران میباید در معرض گند و آبیاری در محال مطالباتش و مبارزاتی سازمان دهند. میباید از طریق مساعی برای این حرکت را می باشد. چنانکه ۲۰۲ نویسنده سوسیالیسم - ۱۰۰ و مزاحمت اتحاد سازمان کونیست می باشد»

و دستگیر گرداند. شهیدای طبقه کارگر تنها کسانی هستند که با معاهدت در چنین راهی به خاک افتاده باشند و نه خاک افتادگان بله چنین راهی. ایثار، فداکاری و ... از جمله گدشگری پریشان آید. سرورا و برادره انگیز. اما چه کسی است که نداند تنها رنده گاند که می توانند راهسازان واقعی چنین راهی باشند.

در شرایطی که امروز بقایای مارکسیستی - مطالعه سبکی تشریح کونیست و حمل یک اعلامیه معاند رژیم، ما در آرزوی است که حکومت کونیست ها را از قبل صادر می کند. اقدام مبارزه بگورید کونیست ها با رژیم - سوری اسلامی بر مبنای مباحث طبقی خاصی از آن ایمنی و جانساز است گفته تاریخ ایران کمتر نظیرش را دیده اند. بیوزر و بیسود. هزاران کونیست و انقلابی به دست رژیم جمهوری اسلامی در این حال، سود میباشند. تاریخ باگوری و رنجبران ایران هم هست، اما حق آنده با، «تین گشتاری از کونیست ها، دنیا را می برای طبقه کارگر میوزر خواهد شد که ایس هزاران تن را به زیر پرچم برده و واحد کونیستی و متحد در وقت شکلات واحد کونیستی بخورسازد. امری که امروز می توانستیم شاهد خوبی آن باشیم. آنچه انجام میماند - اینجا که در آستانه حزب کونیست ایران هزاران مرمیست با نفوذ آن، بخاک در فلفله با فای

و در این حال اتحاد سازمان کونیست جهانی را از دست داده است که گوی میباید ساخته مبارزات. در سازمان کونیست، با جمل بر مبنای و بیشتر از آن، مبارزه در راه اهداف و مصلحت طبقه کارگر و حزب انقلابی او بوده است. در حالی که در جهان خود را میباشند. استیسا که آنچه آثار کونیست بر اثر است بود در هر حال با مباحث طبقه کارگر و بیشتر راه بیشتر بود. سوسیالیسمی جسی میباید کونیست بود و بیشتر از آن بود که در جنبش و شرایطی که مارکسیسم انقلابی از هر سو مورد حمله قرار دادند. مبارز دفاع جانانه او انتر سوریس گند. انقلابی گند شده آنها برای طبقه کارگر ایران که به ضم آثار، به آگاه میباشند به بر بادشان. به تخریبشان. به بیخشان و امان فکلسله باید برسان مبارزه است میباید ساخته است.

اما طبقه کارگر باید این داشته باشد و بوزر و زنده بداند که بر سر مبارزه با این خواهر میباید که با حد هر شرایطی، طرخم هر صاعقه و مانده آن که در استقامت میباشند. بطوریکه آنچه از کامیابی انقلاب در تمام طبقات میباشند. میباشند. گردن در این سوسیالیسم مبارزه خواهد کرد. بداند دست خواهد میباشند. راه سوزنی قادر به معافیت بیشتر میباشند. ما نیست. ما در این راه و محاطر رهروان جسی را جسی از بدن جان میباید خواهیم داشت. خان ناخاکان ما بوزر این راه شور و فداکاری و از جان گدشگری ما را از سوزی خواهد کرد. امکن جانی شهیدان ما در صورت پشاهانگان طبقه کارگر سر برده بر نه اند و است و حاضر معاهدت های آید همیشه بر موزه و تروان مبارزه با خواهد ایزود.

ما در این مرحله که شرایط استیسی و پلیسی اتحاد دهد. با اعلام نابور سابقه مبارزاتی و خدمات ارزنده آنان به آلمان، پولساریا و محاطره گایله آنان را بزرگ خواهیم دانست

بچه او صدمه ۱۰۰ قدرت طبقه کارگر ... بحث حاضر را همینجا خاتمه می دهیم. در این نوشته گزیده ام تا در برتو بحث تشکل و اهمیت آن برای جنبش کارگری بار دیگر بر بحث های صدمه شماره ۲ پیوسته سوسیالیسم و رهشود های آن تا گدشگری و آن مکان را که در مقاله مذکور توضیح شده بود. بیشتر توضیح ندیم. توجه رفق را به بحث دیگری در باره مبارزه برای تشکیل شوراهای واقعی که در همین شماره آمده است جلب می کنم و می گویم تا در آینده با حشمت بیشتر و به نحوی مشخص تر به سه وظایف سازماندهی که امروز بر مبنای کارگران کونیست از راه گرفته است بپردازم

بچه از صدمه ۲۰۰ در مریک است ... سواد چاداری است که به آزادی می رسد و به رهبرانی میباید داده که در زندگی و مبارزه واقعی برای گند نفوذ سیاسی - که بهتر شرط این آزادی است. او را راهساز میباشند. در شرایطی که طبقه کارگر ایران به بر باد میباشند. نیاز او به تکیه هائی است که استقلال طبقاتی او را صحن داشته و نابودی نه تنها جمهوری اسلامی که نابودی هر دولت بورژوازی دیگری را تفصیل می باشد. طبقه کارگر نیازمزم به شگلاتی دارد که در حمایت تدقی این برنامه و انتفاض این تکیه ها گام برداشته و صوب مبارزه او را ختم

در بزرگداشت جان باختگان راه سوسیالیسم

امروز هجرتی سازمانهای کمونیستی سوسیالیسمی
 اسلامی به سرگشته است و دشمنان نیز برتری خود و فریبگاران
 همیون حزب توده و فدائیان اکثریت، میتوانستند تمام
 مارکسیسم از این رژیم به خاک برسانند. امروزه تنها
 در آزادی کمونیستها بلکه در هر مومانی که در راهی از
 سرافرازی انقلابی راه خود عمل میکند، دیگران از هفتاد
 رژیم جمهوری اسلامی سرگردانند. این رژیم و اما هیچ
 آید و اما هیچ توحه ستورکی، دیگر همیون عمل جاسوس
 داد. آن در سر جمهوری اسلامی گذشته و در تمام هوشت و
 گذشته های رژیم، و تمام استوارانه و مقررات آن این
 رژیم، در درمیان این رهون کمونیستها و انقلابیون بر سر
 گذشته است.

انگیزه های این کمونیست بر روی اقدام شده است
 کمونیستهاست که هوشتی هر خطی از اینها را کارگران و همگنان
 بداندند. و از همین روست که شاید در آن سینه ها یک
 فصلت اسلامی، که فصلت سیاسی بر خورست. اما هیچگاه
 تعادل سیاسی را می توانست کمونیسمی سوسیالته تدقی آن
 حسین سفورده است. و هیچ سازمانی، اگر در سوسی
 خود عقاید خود را اثبات نکرده باشد، یا معتدل باشد پس
 سیرت را عنوانست طبقه، کارگر را به خویش جدا نمیدانند.
 طبقه کارگر انگار که رخصت سوشیالان را به از می کند.
 پس در این راه خود می تواند کند. تعهدات در راه صلح کدام
 طبقه آنرا کشتار به می توانان سوسیالته " اسلام
 را با خون شهیدان آبیاری کند. اما حلق سراسر
 تاریخی طبقه کارگر در گرونگر و نجات شهیدان نیست. آنکه
 میگوید: " اگر خون فدا شده به نفعی خلق است بگوار که
 از خون ما روید طاعتی نهد." البته فهمی می خود را نشان
 داده است. اما کونته می خویش را هم به ساسین گذاشتند.
 طبقه کارگر تنها در آن می طبقان است که می توانی
 خود را می خویند. آنکه می که فقط سوسیالته کمونیستها را
 می توانند و می توانند و می توانند. یک سیری است و
 ربه می توانند اما دیت می باشد. آنکه با نگرشها در است و
 استقبال آن می شنایند، تنها خود را و لیدر حیات آن
 می توانند و می توانند. اما در راه آزادی سلام بر ما رسد دارن
 نجات می یابند. اما طبقه کارگر، به نجات او را می طبقه
 و اما شهادت او آزاد میگردد. طبقه کارگر تنها می توانی نظام
 طبقه در طبقه"

تاریخ، امروز، با خرابی و فساد و ابدان فعال انسان
 در دوران کمونیسم، در سوزن و جفاست، و رژیمه اختلاف حال
 تا حدی است. و اس فقط خود بسیار کوچکی از جانیان رژیم
 را می یازد که تنها رژیمه پیش را با سوزن انقلاب و انقلابیون
 می یازد. هر اران اهدا در سوزن، عده از سوزن اعلام شنیده،
 و عده از سوزن ساسی، و سوزن های سوزن را می یازد
 و شنیده، تنها حتی اگر کار ما به عده این سوزن را کتیل
 شده رژیم جمهوری اسلامی به سینه مطهره ما کی و جاسوس
 است. یک مطهره کتیل، حفاظت و زمانت و جویباری
 طبقه، روز واری عمر، جبران کم سوزن، که طبقه، بدارک
 طبقه، لایق است از خود در این راه یک حسین رژیم سیرده
 است. طبقه، لایق است از امیر سوسیالیسم ایران، قبل از هر
 خبر در گرونگر این اسلامی است که رژیم جمهوری اسلامی
 صلح به امیر افرست و سرکوت خود سال زنده و ساس
 همین امیر کمونیست قبل آن ساس است. اگر امروز خمینی
 مدعی تنها بر سر آن زمین، وقت ما به توحش استوار است.
 همان کار است. کشتار و زاری است تا مدود و ارمایه
 که در سوزن آن صورت میگیرد، آنگاه سوزن و انقلابیون
 نجاتی بود و اهدا فرار داده است.

اس موج وسیع کشتار و جاسوسیت و اس سرکوت سیاسی
 و جاسوسیت سازمان کارگران و همگنان، سوزن روز واری
 در سراسر طبقه ای است که تا حدیک اختلاف سطح با طبقه
 برای کمونیستها، همین منطبق هیچ می نگینند. در
 رژیم جمهوری اسلامی سینه را حالت طبقاتی خویش را انجام
 میدهد.

برای کمونیستها، هیچ عاقتی برای توحه نیست به
 رژیم جمهوری اسلامی. و هر رژیم سوزن و نجاتی دیگر، که به
 و خلاف طبقاتی خویش عمل میکند ساس و نمی تواند وجود
 داشته باشد. اما برای آنکه که خود را کمونیست و پنهان
 طبقه کارگر می نامد، و سوسیالیسم به یک حسین رژیم، و سوزن
 رژیم سوزن و نجاتی دیگری، شریک در سراسر زمان، و پس
 حکیم یا به با طبقه، آن، یک سنگ تنگ آورده است به سوزن
 طبقه کارگراست.

برای ما، اتحاد ما در این کمونیست، از همان روز
 نخست ما همه ضد انقلابی و ضد کارگری رژیم سوسیالیسم
 اسلامی چون روز روشن بود. و ما از همان روزها می توانیم
 تمام گوش خود را بکار بزنیم تا جایی که کمونیست ایران را
 از جاسوسیت و آرائش و توحه حسین رژیم در سوزن کارگران و
 همگنان، با رده ایم. اما برای کسانی که می خواهند
 سراسر کمونیسم سوسیالیسم تکیه کنند گوش ندانند تیره، تلخ
 و سخت، سرکوت سیر همان سوسیالیسم، سراسر است سیرده های
 انقلابی و کارگران و همگنان و کشتار و جاسوسیت، هر اران
 کمونیسم و انقلابی لازم بود تا رژیم جمهوری اسلامی را
 کلا امضا و ساس ساس.

**با کشتار انقلابیون و کمونیستها
 رژیم جمهوری اسلامی انتقام
 امپریالیستها را از مخالفین شاه میگیرد.**

زندانی سیاسی آزاد باید گردند!